

## متن پرسش

سلام علیکم جناب استاد: اخیراً جناب دکتر عبدالکریمی با جناب سروش دباغ مناظره ای در مورد رساله قبض و بسط دکتر سروش داشتند و طبق نظر آقای عبدالکریمی این رساله تحت تأثیر فضای کانتی و دلالت بر نوعی سوبرژکتیویسم و بی بنیادی معرفت دینی دارد که منجر به گرایش به نهیلیسم در بین تأثیرپذیران از آن رساله می‌شود و شده است. بنده هم در این باره تحلیلی نوشتم برای نقد و نظر خدمت تان ارسال می‌کنم. جالب است که در این موضوعات آقای عبدالکریمی با ما همگرا هستند گرچه برخی عبارات ایشان در مورد انقلاب اسلامی به نظرم از سر مسامحه و کلی گویی بیان می‌شود و قابل نقد است: نقدی که جناب دکتر عبدالکریمی بزرگوار مطرح می‌کنند (با قطع نظر از مقدمات فلسفی ایشان) منطبق با برداشت بسیاری از منتقدین و حتی همدلان با رساله هم هست. چرا که هم جریان روشنفکران غیردینی پروژه سروش را مقدمه گذر کامل از امر دینی تلقی کردند (و نه ادعای اصلاح آن)، و هم جریان حوزوی آن رساله را نوعی بی‌بنیاد کردن هر معرفت دینی فهم کردند. به راستی هر کسی قبض و بسط را می‌خواند با اثری رو به رو است که آنچنان نقش تحولات معرفت بشری در معرفت دینی را پررنگ و بلکه مطلق می‌کند که انگار هیچ فهم تاریخی از دین نمی‌تواند از گزند این تحولات به دور باشد و روشن است که نتیجه منطقی مزمر در این بیان این است که عمده آنچه بشر در گذشته از دین فهمیده خرافات بوده است! علامه طهرانی که در پست قبلی به ایشان اشاره کردم در نقد مفصل خود که در حقیقت رساله‌ای مستقل است نشان می‌دهند که معدود مثال‌هایی که آقای سروش برای تأثیر تحول معرفت بشری در معرفت دینی ارائه کرده‌اند هیچ کدام خدشه‌ای به امهات و اصول عقاید اسلامی خصوصاً بنا به فهم فلاسفه و عرفای اسلامی وارد نمی‌سازد. ما به سختی می‌توانیم مثالی بیشتر از اثر نقض نظریه افلاک در نقض نظریه فلسفی عقول دهگانه برای تز آقای سروش بیابیم و حتی با نقض عقول دهگانه از حیث تعدادشان، باز همه چیز نابود نمی‌شود و ادلة عالم عقل به نحو عام هنوز یابرجا است. این از آن جهت است که فلاسفه اسلامی عمده بنیان متافیزیک خود را بر برهان‌های عقلی مستقل از تجربه حسی استوار کردند و این چنین ذاتاً فلسفه خود را از گزند تحولات دانش حسی مصون کرده‌اند و اتفاقاً اگر نظریه عقول دهگانه هم نقض شده از این جهت است که مقدمه این نظریه، تجربی و متخذ از مسلمات علمای طبیعی زمان خودشان بوده است و نه مقدمات بدیهی. نظریه تکامل داروین نیز به طور قطع ناقص امکان خلق یا ظهور دفعی آدم و حوا در عالم طبیعت نیست چنان که خلق دفعی و تدریجی هر دو در قرآن اشاره شده است. تمام آنچه علمای اعصاب در این‌همانی مغز و ذهن ادعا کرده‌اند هم امروز در مباحث فلسفه ذهن به شدت مورد اشکال و ایراد

است. پس کجا است آن نظریات علمی که بنا به ارتکازات و القائات دکتر سروش شناخت قدماء از دین را کن فیکون کرده باشد؟ چنان که جناب دکتر عبدالکریمی به درستی اشاره کردند، رساله قبض و بسط با تمام طول و تفصیلش چیزی بیش از توضیح و اوضحات نیست (این که معارف بشری کم و بیش روی هم دیگر اثر دارند) و این برای هر معرفتی صادق است اما تأکیدات و مبالغات آقای سروش بر اثر این تحولات بر معرفت دینی خواسته یا ناخواسته دلالت بر نوعی شکاکیت رادیکال و سوپژکتیویسم مفرط دارد که اثر آن بر اذهان روشنفکران و اهل اندیشه نوعی بی اعتمادی به کل سنت دینی و در نهایت رویگردانی از دین بوده است! این گونه به نظر من آقای سروش خواسته یا ناخواسته در بسط نهیلیسم و رویگردانی از دین در جامعه ایران بعد از انقلاب تأثیر بسزایی داشت و البته تاریخ ایشان را مسؤل خواهد دانست! #پرسش\_از\_عبدالکریمی

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اتفاقاً سومین جلسه این مناظره را هم بنده دنبال کردم. سخنان آقای عبدالکریمی همان نکاتی بود که چند سال پیش در مقاله‌ای در نقد تئوری قبض و بسط شریعت فرمودند و به نظر بنده نقد به جایی است و به همین جهت در سال‌های پیش که جهت رونمایی از کتاب «پایان تئولوژی» آقای دکتر عبدالکریمی، آقای دکتر داوری را دعوت کرده بودند؛ آقای دکتر داوری نیز مؤید آن مقاله بودند. به نظر بنده بخواهیم و نخواهیم تئوری «قبض و بسط شریعت» اگر هم به ادعای آقای سروش دباغ امری است کلامی؛ به هر حال موضوع، موضوع شریعت است و نمی‌تواند طوری مطرح شود که گویا ساحت قدسی در مقابل خواننده آن موضوعیت ندارد. در همین جلسه سوم افرادی که به طرفداری از آقای سروش برآمدند به نظر بنده متوجه دغدغه آقای عبدالکریمی نبودند. بنده همان سال‌ها مطلبی در نقد نظریات آقای سروش نوشتم <https://lobolmizan.ir/leaflet/۲۱۹> با این‌همه عنایت داشته باشید که بحث «غیاب ساحت قدس» که دکتر عبدالکریمی بدان می‌پردازد، عملاً در بعضی موارد ما را از سایر ابعاد دین و فقاقت دینی جدا می‌کند یعنی به جایگزینی مطالبی که آقای دکتر عبدالکریمی پیشنهاد می‌کنند در جای خود باید حساس بود. موفق باشید